

۳ راز طلایی در بازارهای مالی

مقدمه

حرفه ای ها منتظر فرصتند اما آماتورها ناگهان پابرهنه وسط بازار میپروند! آنها آنقدر خرید و فروش میکنند تا از بازار بیرون بیفتند.

تحلیل تکنیکی تنها زمانی برایتان مفید است که شما دیسپلین کافی داشته باشید و منتظر تشکیل الگوی مورد نظران بمانید. حرفه ای ها تنها و تنها زمانی وارد میشوند که بازار فرصتی طلایی برایشان فراهم نماید. تریدر موفق زمانی که الگوی مورد نظرش تشکیل شد، بدون نگرانی و به پشتوانه دانشش وارد میشود و در آرامش منتظر بسته شدن پوزیشنش میشود. اگر با سود بسته شد، آنرا تایید دیگری بر سیستمش تلقی میکند و اگر با ضرر بسته شد، در پی یافتن دلیل ضررش بر می آید. نه بازار و نه کس دیگری را مقصر قلمداد نمیکند، به اعصابش مسلط است و خونسردیش را از دست نمیدهد.

راز اول، ذهن : (Mind) روانشناسی در ترید

هر روز تریدرهای زیادی وارد بازار میشوند اما تعداد کمی از آنها موفق میشوند. تنها انگیزه منطقی ترید کسب درآمد است. وقتی تریدر تمرکزش را از این انگیزه منطقی از دست بدهد، کارش ساخته است. کسانی که برای پز دادن، قمار و ... ترید میکنند، بازندگانند. آنها رفتارهای احساسی دارند و احساساتی ها شکست میخورند. بازندگان اکثراً بروکر، استاد و اتفاقات پیش بینی نشده را مقصر میدانند. اما آیا اینان مقصرند؟ آماتورها مانند کودکانی که بلیت بخت آزمایی میخرند، ترید میکنند. منتظر میمانند تا دیگری درباره سرنوشتشان تصمیم بگیرد. اما حرفه ای ها با برنامه ای که برای ورود و خروج (و بخصوص خروج) دارند، سرنوشتشان را در دست خود دارند.

بهترین زمان برای تصمیم گیری پیش از ورود به ترید است زیرا در آن زمان هیچ پولی ریسک نکرده اید و میتوانید پارامترهای مختلف سود و زیان را بررسی کنید. به همین علت است که باید استراتژی خروجتان را مکتوب کنید و به آن عمل کنید. یکی از اشتباهات معمول تریدرها، نگه داشتن معامله ی ضررده است. میخواهند به ترید ضررده فرصت بدهند تا سودده شود! چه خیال خامی. اولین ضرر، بهترین ضرر است، این قانون کسانی است که با چشم باز ترید میکنند.

تریدرهای موفق باهوش، کنجکاو و متواضع هستند. اکثر آنها دوره های زیان هم داشته اند اما با رعایت M. ۳ بازار تریدرهای طماع را اغوا میکند تا با زیاد کردن لات سایشان سود بیشتری کنند. اتفاقی که اکثراً به نابودی حساب تریدر طماع منجر میشود.

روزنگار

روزنگار ساده ترین راه اجتناب از تکرار اشتباهات گذشته است. اگر از گذشته درس نگیرید محکوم به تکرار آن هستید. تریدرهای موفق هم مانند همه اشتباه میکنند اما نکته مهم اینست که آنها یک اشتباه را دوباره مرتکب نمیشوند.

یکی از چیزهای دیگری که باید ثبت شود، بالانس ماهانه حساب است. نمودار صعودی بالانس حساب بیش از هر چیز دیگری ثابت میکند که شما تریدر موفق هستید و نمودار سایدویز آن زنگ خطری در وجود اشکالی در سیستم شماست.

آموزش برای نبرد

چه میزان آموزش برای شغلتان احتیاج است؟ میزان آموزش به نوع کار بستگی دارد. زمان مورد نیاز برای آموزش یک نظافتچی با یک جراح بسیار متفاوت است. تریدر بیشتر به جراحی شباهت دارد تا نظافت. دلیل آموزش بیشتر جراح یا خلبان اینست که اشتباه آنها مرگ آورتر از اشتباه یک نظافتچی است. در تریدر هم اشتباهات تریدر از لحاظ اقتصادی برای خودش مرگ آور است. جراحی و خلبانی استانداردهای مشخصی دارند و کسانی مراقب جراحان و خلبانان هستند تا از این استانداردها عدول نکنند. اما در تریدر این شخص تریدر است که باید استاندارد را وضع کند و بر نحوه رعایت آنها نظارت کند.

تریدر حتی از جراحی هم سختتر است، زیرا سیستم خود آموز است، سیستم و استانداردهای آن توسط خود استفاده کننده تعریف میشود، تست و نظارت بر سیستم بعهده استفاده کننده است. چگونه این کارها را انجام دهیم:

۱- پذیرش تدریجی مسئولیت: دانشجوی خلبانی روز اول نمیتواند بر صندلی خلبان بنشیند و پرواز کند. اما هر تریدر تازه کاری میتواند یک حساب ریل باز کند و تریدر کند. این عجیب نیست؟

۲- بازرسی و بهبود مستمر: بهترین ابزار شیب نمودار موجودی حسابتان است.

۳- آنقدر آموزش ببینید تا اعمالتان ناخودآگاه شود. دقت کرده اید نسبت به روز اولی که پشت فرمان ماشین میشینید، چقدر اعمالتان ناخودآگاه تر شده است. برای موفق شدن در تریدر باید به چنین مرحله ای برسید.

راز دوم، روش: (Method) روش و سیستم شما در معاملات

دکتر الدر چند اندیکاتور شخصی را هم در این قسمت معرفی کرده است که میتوانید آنها را تست کنید و نتایجشان را ببینید. اکثر این اندیکاتورها در متاتریدر ۴ موجود است.

ترید

تریدر کسی است که با استفاده از یک سیستم از قبل تست شده ترید میکنند. در این نقطه آماتورها و حرفه ای ها از جدا میشوند. آماتورهایی که از سیستم مکانیکی استفاده میکنند یا سیستم را روی خلبان خودکار تنظیم میکنند و هیچکدام از پارامترها را بررسی و اصلاح نمیکنند یا گاهی به سیستم اعتماد میکنند و گاهی نمیکنند. هر دو این روشها حاصلی جز ضرر ندارند.

اما حرفه ای ها مانند عقاب مراقب سیستمشان هستند و دائماً از بازخوردهایی که از سیستم میگیرند در بهبود آن استفاده میکنند.

تست سیستم

پیش از استفاده از هر اندیکاتور، قانون یا روش جدید در سیستمتان باید آنرا بک تست کنید. وقتی مطمئن شدید که نحوه کار با اندیکاتور جدید را میدانید، روی چارتتان تا جایی که ممکن است به عقب بروید. سپس شروع کنید کندل به کندل سیستم را به جلو بیاورید. در جایی که سیستمتان سیگنال میدهد، نقاط باز کردن، خروج با ضرر و تارگت را ثبت کنید (ثبت تاریخ و ساعت هم مفید است)، سپس کندل به کندل جلو بروید تا استاپ یا تارگتتان بخورد. سود یا زیان را یادداشت کنید و اینکار را آنقدر ادامه دهید تا حداقل ۶۰ ترید داشته باشید. مطمئن باشید در حین بک تست میتوانید نکات جالبی از تریدهایتان بیرون بکشید و سیستمتان را کامل تر کنید مثلاً اگر قیمت با گپ باز شد، چه بکنم؟ تریلینگ استاپ داشته باشم یا نه؟ چه روزهایی و چه ساعاتی ترید نکنم؟ و ... در نهایت ببینید درصد تریدهای سودده تان چقدر است؟ میانگین سود و زیانتان چقدر است؟

حال سیستم را بهینه کنید و ۶۰ ترید دیگر با قوانین جدید انجام دهید. وقتی درصد تریدهای سودده تان و میانگین سودتان راضی کننده بود به مرحله بعد بروید...

ترید دمو

در این حالت حداقل یکماه روی یک حساب دمو با رعایت کامل قوانین ترید کنید. برای عدول از قوانین ترید جریمه بگذارید (مثلاً انجام ۶۰ بک تست جدید). اگر در این مرحله هم سیستم خوب جواب داد، یکماهی هم در لات سایز پایین در حساب واقعی ترید کنید. سوددهی این مرحله تاییدی بر سیستم و توانایی شما برای ترید آن است. به لات سایز اصلی خود (که در آن اصول مدیریت سرمایه رعایت شده باشد) بروید و از پیپ هایتان لذت ببرید.

انواع اندیکاتورها

اندیکاتورها را به سه دسته کلی میتوان تقسیم نمود:

اندیکاتورهای تابع روند. این اندیکاتورها به شناختن روند کمک میکنند. میانگین متحرک و خطوط MACD و سایر اندیکاتورهایی که با افزایش قیمت بالا رفته، با کاهش آن پایین می آیند و با سایدوی رفتن آن فلت میشوند، از این دسته اند.

اسیلاتورها به یافتن نقاط برگشت کمک میکنند. باندهای بولینجر و استوکستیکس، نمونه هایی از اسیلاتورها هستند. سایر اندیکاتورها هم اندیکاتورهایی هستند که سطوح صعودی یا نزولی بودن بازار را تعیین میکنند. گروههای مختلف اندیکاتورها، سیگنالهای مختلف میدهند و گاهی این سیگنالها با هم در تضاد است. برای مثال اندیکاتور دنباله رو روند سیگنال خرید میدهد اما اسیلاتور سیگنال فروش. یکی از خطرات محتمل افتادن بدام اندیکاتورها و دنباله روی از اندیکاتور است که سیگنالش مورد علاقه مان است. تریدر باید سیستمی داشته باشد تا تمام انواع اندیکاتورها را بررسی کند و بر طبق آن سیستم تصمیم بگیرد.

انواع تایم فریمها

مانند اندیکاتورها، تایم فریمها هم ناهمخوانی دارند. میانگین متحرک در تایم فریم روزانه سیگنال خرید میدهد اما در تایم فریم ۱H سیگنال فروش. چه باید کرد؟
آماتورها ساده ترین کار را انجام میدهند: تنها با یک تایم فریم کار میکنند.
یکی از روشها برای بررسی وسیعتر بازار، سیستم سه صفحه ای است. در این سیستم به جای بررسی تنها یک تایم فریم ترکیبی از سه تایم فریم است به این شکل که:
تایم فریمی را که با آن بسیار راحتید انتخاب کنید (صفحه میانی). این صفحه اول شماست. برای مثال ۱H. این مقدار را در ۴ یا ۵ ضرب کنید تا صفحه بلند مدتتان بدست آید (در اینجا ۴). (H) تایم فریم کوچکتر هم (در اینجا M15). در تایم فریم بلند مدت جهت بازار را پیدا میکنیم و با کمک دو تایم فریم دیگر زمان دقیق ورود به پوزیشن را.

روانشناسی

تریدرهای موسسات به این دلیل ترید میکنند که حقوق میگیرند تا ترید کنند. اما تریدرهای خصوصی به دلایل شخصیشان ترید میکنند. دلایلی که برخی از آنها منطقی و برخی غیر منطقیست.
مانند هر بیزینس دیگری، تنها دلیل منطقی ترید کردن، کسب درآمد است. هرچند برخی دیگر نیازهای صاحبان بیزینس هم مرتفع میشود اما پول نقش اصلی را در این میان بازی میکند. تریدرهایی که دچار سرخوشی میشوند، توجه شان از پول منحرف شده و پا برهنه وسط بازار میپروند. اینان بازندگان هستند.

تریدرهای موفق سیستمها و الگوهای مختلف را تست میکنند، ریسک و سود را اندازه میگیرند و بر ساختن حسابشان تمرکز میکنند.

برنامه روزانه

ترید حرفه ای به معنای آماده باش بودن در ساعات مشخصی است. این ساعات در بازارهای مالی خارج از ایران معمولاً از حدود ظهر به وقت تهران آغاز شده و تا ۷-۸ عصر ادامه دارد. در این ۸ ساعت در بسیاری از اوقات ترید کاری برای انجام دادن ندارد. به یاد داشته باشید که جایی گفتیم که: “ترید خسته کننده است”. ترید حرفه ای در زمان ترید معمولاً از جدول زمانی مشخصی تبعیت میکند. اینکار هم برنامه روزانه او را منظم میکند و هم تمرینی برای افزایش دیسیپلین است.

روز تریدتان باید نیم تا یکساعت پیش از اولین تریدتان آغاز گردد. در این زمان نگاهی اجمالی به اخبار بباندازد، حرکت جفت (جفت‌های) ارزی را که دنبال میکنید بررسی کنید و سعی کنید ادراکی از بازار داشته باشید. زمانی که پوزیشنی میگیرید، کاملاً آنرا تعقیب و مدیریت کنید. البته این به معنای زل زدن به صفحه مانیتور نیست. بلکه برای هر حرکتی چه در جهتتان و چه در خلاف آن برنامه داشته باشید.

اگر پوزیشن بازی ندارید، مقداری تحقیق کنید، مطالب جدید بخوانید و به دانشتان بیاموزید. فراموش نکنید که تریدر موفق شدن یک سفر است و مقصد نیست. به محضی که بازار سیگنال خرید یا فروش میدهد، همه چیز را متوقف کنید و به مدیریت پوزیشن برگردید.

حتی میتوانید یک تردمیل یا دوچرخه ثابت در اتاق تریدتان داشته باشید. فراموش نکنید که عقل سالم در بدن سالم است.

راز سوم، پول : (money) فرمولهای مدیریت سرمایه

برای چه ترید میکنید؟ پول یا لذت؟ پاسخ ندهید. رکورد تریدتان را نشان دهید. پاسخ آنجاست. کسانی که برای پول ترید میکنند، به آن میرسند. شیب بالانس حسابشان نشان میدهد. اغلب مردم ترید را برای کسب درآمد شروع میکنند اما خیلی زود آنرا تفریحی جذاب می یابند و با فراموش کردن هدفشان به قمار روی می آورند. اینها برای جلب توجه یا فرار از روزمرگی ترید میکنند. به تعداد تریدرها دلیل برای ترید کردن وجود دارد اما فقط یک دلیل دلیلی خوب و حقیقی است: کسب درآمد.

این قسمت شما را با آخرین M لازم برای ترید آشنا میکند. money management :

هر کسی میتواند در یک ترید یا چند ترید متوالی سود ببرد. حتی در یک کازینو هم چنین احتمالی دور از عقل

نیست. در بازارهای مالی تقریباً هر کسی میتواند یک یا چند ترید خوب داشته باشد اما تعداد معدودی میتوانند موجودی حسابشان را افزایش دهند.

مدیریت سرمایه کشتی نجات تریدرهاست. گاهی آنرا هنر میخوانند و گاهی علم میدانند اما در واقع ترکیبی از هر دوست. هدف مدیریت سرمایه، افزایش سرمایه با کمینه کردن ضرر در تریدهای ضررده و بیشینه کردن سود در تریدهای سودده است. وقتی چراغ عابر پیاده سبز میشود، شما پیش از عبور از خیابان به چپ و راست نگاهی می اندازید زیرا همیشه ماشینهای بی احتیاطی پیدا میشوند که چراغ را رد کنند. وقتی سیستمتان سیگنال داد، مدیریت سرمایه نقش این نگاه را ایفا میکند. مهم نیست سیستمتان چقدر خوب عمل کند، مدیریت سرمایه همیشه برای سوددهی مکرر مفید است.

پدری را میشناختم که پسر نوجوانش را برای مدیریت سرمایه تربیت میکرد. هر شنبه با هم به میدان اسب دوانی میرفتند و به پسرش ۱۰ دلار بعنوان سرمایه آن روز میداد. این پول هم پول نهار بود و هم پول شرط بندی. پدر تمام روز را با دوستانش میگذراند و پسر میتوانست در روز هر کاری با او داشته مگر درخواست پول. پسر باید پولش را طوری مدیریت میکرد که هم ناهار بخورد و هم از شرط بندی روی اسبها لذت ببرد. یاد گرفتن چگونگی شرط بندی رو اسبها (تحلیل تکنیکی)، تقسیم پول (مدیریت سرمایه) و صبر کردن برای بهترین موقعیت شرط بندی (روانشناسی) آن پسر را به یکی از موفقترین مدیران هج فاند با حسابی چند میلیون دلاری تبدیل کرد. یک سیستم ترید خوب به شما اطمینان میدهد که در دراز مدت درصد تریدهای برنده شما بیشتر از تریدهای بازنده است. اینجاست که مدیریت سرمایه به کمکتان می آید و به حفظ سرمایه تان کمک میکند. اما اگر سیستمان مناسب نباشد، کاری از دست مدیریت سرمایه ساخته نیست.

هر چند درصد سرمایه که از دست بدهید، برای پس گرفتنش باید درصد بیشتری سود کنید. مثلاً فرض کنید شما ۱۰۰۰ دلار دارید و ۲۰٪ ضرر میکنید، موجودی شما ۸۰۰ دلار میشود اما برای برگشتن به ۱۰۰۰ دلار شما باید ۲۵٪ سود کنید.

بازار همانقدر صلح آمیز است که جنگ گلایدياتورها. همه میخواهند پول شما را بگیرند - رقبا، بروکر و فروشندگان سیستمها و نرم افزارها. از دست دادن پول آسان است اما بدست آوردنش مشکل. مدیریت سرمایه دو هدف دارد: بقا و سودآوری. اولویت با بقاست. سپس سودآوری تدریجی و مداوم. تازه کاران اولویتها را برعکس مبینند. برای آنها سودآوری در اولویت است و برای آن هرکاری میکنند اما شکست میخورند. با اولویت دادن به بقای در بازار، تمرکز روی مدیریت سرمایه بیشتر میشود. تریدرهای حرفه ای همیشه تمرکزشان بر کم کردن ضرر است و با اینکار سرمایه شان افزایش می یابد.

ورود کسانی که ریاضی نمیدانند ممنوع

زندگی امروز کار را برای کسانی که به حساب کردن بی علاقه هستند راحت کرده است. با افزایش انواع ماشین حسابها و کامپیوتر ما اکثراً دیگر حساب نمیکنیم. اگر کسی بتواند تعداد میهمانان شام را بشمرد یا بگوید بعد از خوردن ۲ نوشابه در بسته ۶ نایی چند نوشابه مانده است، ذهنش را خلاق می‌شماریم! در زندگی روزمره کار بدون حساب آسان است اما در بازار چنین نیست.

ترید بازی اعداد است. اگر حساب کردن بلد نیستی، تریدر نیستی. البته به جبر و حساب دیفرانسیل احتیاجی نداریم اما حساب را باید خوب بلد باشیم. درصد گرفتن، جمع و تفریق و ضرب و تقسیم جزو اعمال روزانه یک تریدر است.

برای آموختن آنها سعی کنید در زمان بیکاری مقداری حساب کنید. درصد بگیرید. باقی پولتان را حساب کنید و...

ریسک و ضرر تاجر

مثال تاجر میوه را به خاطر دارید؟ گفتیم او روزی چند جعبه میوه میفروخت. اگر به او پیشنهاد جعبه ای از یک میوه جدید میشد، او میپذیرفت. اگر مردم دوست نداشتند و میوه ها فاسد میشد، او فقط یک جعبه را از دست میداد. ریسک کمی که در تجارت مرسوم است: ریسک تاجر.

حالا تصور کنید او به جای یک جعبه از این میوه ناشناخته ۱۰۰۰ جعبه از آن را به یک پنجم قیمت بخرد. اگر بتواند همه آنها را بفروشد، سود بالایی برده است اما اگر میوه ها خراب شوند او تا حد ورشکستگی ضرر میکند. آن جعبه اول ریسک تاجر است: ریسکی معقول و منطقی. اما این جعبه دوم ریسک ناشی از طمع است: خطرناک و نابود کننده.

هرگاه برای پوزیشنتان استاپ تعیین میکنید یعنی حد دلاری ریسکتان را تعیین کرده اید. حدی که طبق اصول مدیریت سرمایه فقط باید درصد کوچکی از کل سرمایه تان را شامل شود.

اصول مدیریت سرمایه برای بقا در این بازار الزامی اند اما تریدرهای کمی هستند که دیسپلین کافی برای اجرای این اصول را دارند زیرا بازار با همه تریدرها را اغوا میکند تا اصولشان را بشکنند. آیا شما چنین میکنید؟

بازار به دو صورت تریدرها را نابود میکند: ناگهانی و تدریجی. فرض کنید سرمایه شما جانتان است. ممکن است شما جانتان را با یک حمله کوسه از دست بدهید (ضرر در یک ترید بد) یا تدریجاً با حمله پیرانه ها (ضررهای کوچک اما متوالی). راه حل استفاده از قانون ۲٪-۶٪ است.

برای جلوگیری از حمله کوسه هیچگاه بیش از ۲٪ سرمایه را روی یک پوزیشن ریسک نکنید. برای جلوگیری از مرگ بر اثر خونریزی از گاز پیرانه ها هیچگاه جمع کل ریسکتان بیش از ۶٪ سرمایه نشود. یعنی اگر در هر ترید ۲٪ ریسک میکنید حداکثر ۳ پوزیشن باز داشته باشید. زمانی که استاپ یکی از پوزیشنها به نقطه باز کردن

آورده شد و پوزیشن بدون ریسک شد امکان باز کردن پوزیشن چهارم فراهم میشود. زمانی هم که جمع ضرر ماهیانه تان به ۶٪ سرمایه رسید، ترید ریل را متوقف کنید و به بررسی مشکل پردازید و ماه جدید را با تفکر جدید آغاز کنید. حد نهایی ضرر هم ۲۵٪ سرمایه است. زمانی که ۲۵٪ سرمایه تان را از دست دادید ترید ریل را کنار بگذارید و به بررسی پردازید و بعد از شارژ حسابتان ترید را ادامه دهید. ممکن است در نگاه اول ۲٪ و ۶٪ اعداد بسیار کوچکی به نظر بیایند اما اگر بدانید که این اعداد در موسسات بزرگ چقدر کوچکترند دیگر غر نخواهید زد: زیر ۱٪ و حدود ۵٪ فراموش نکنید که شرط اول در این بازار بقاست و بعد سود آوری.

اندازه پوزیشن

گاهی ما با اکانت کوچک خوب کار میکنیم اما به محض بزرگ شدن اکانت دچار مشکلات عجیبی میشویم. بهترین راه حل برگشت به لات سایزهای کوچک و کسب اعتماد بنفس برای لاتهای بزرگتر است. مثالی میزنم: چند نفر حاضرند برای گرفتن \$۱۰۰ روی میز راه بروند؟ احتمالاً همه شما چند نفر حاضرند برای گرفتن \$۱۰۰۰۰ دلار روی همان میز زمانی که بین دو آسمانخراش معلق است راه بروند؟ شاید یکی دو نفر. ترید با حساب کوچک مثل راه رفتن روی میز است. اگر بیفتید فقط چند خراش بر میدارید اما وقتی حسابتان بزرگ است و میز روی هوا معلق است، افتادن از روی آن مثل سقوط از ارتفاع چند صد متریست: نابود کننده.

وقت دارید؟

همانطور که چندین بار گفته شد باید تمام تریدهایتان را ثبت کنید. اگر تعداد تریدهایتان در روز زیاد است، چند تایی را ثبت کنید مثلاً سومین ترید روزانه. اگر وقت برای ثبت تریدهایتان ندارید، برای ترید وقت ندارید. منظم باشید و به سیستم مکتوبتان اعتماد کنید. روزهای ترید خوبی داشته باشید.....

شبکه اقتصادی سهمیران به نقل از fx24